



مردی که متهم است بعداز قتل زن جوان جسدش را مثله کرده بود، بازداشت شد و ماجرا را شرح داد. گزارش اولیه خبرنگار ما روز سه‌شنبه اول اسفندماه در صفحه حوادث چاپ شد.

به گزارش خبرنگار ما، صبح روز شنبه اول اسفندماه بود که قاضی ایلخانی، بازپرس ویژه قتل تهران با تماس مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسفآباد از کشف دست و پای انسان داخل کیسه زباله با خبر شد و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل

«**گفت و گو با متهم**»

چه کاره هستی؟

در کار ساخت و ساز هستم. **چند وقت بود که مقتول را می‌شناختی؟**

۱۸ سال بود که با هم ارتباط داشتم.

چه طوری با هم آشنا شدید؟

مثل تمام دوستی‌های خیابانی، اما ما

با این تفاوت که داخل خودرو با هم آشنا شدیم.

بیشتر توضیح بده.

۱۸ سال قبل با خودروام مسافر کشی می‌کردم. در میدان ولیعصر عاطفه و دوستش را که آن زمان نوجوان بودند، به مقصد شرق تهران سوار کردم. در میانه راه با آنها شروع به حرف زدن کردم و همین موضو ع با عث آشنایی ما شدو من از عاطفه

خوشم آمد و

این تلفنی با هم ارتباط داشتم تا اینکه کم‌کم ارتباط ما به داخل خیابان و پارک هم رسید. ما خیلی به هم علاقه پیدا کردیم و با هم قرار ازدواج گذاشتیم. روزها به همین وضعیت گذشت و ما هم مثل

حادثه که خیابان کردستان جنوبی، نبش خیابان بیست‌یکم بود، حاضر شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که یکی از مأموران شهرداری بعد از گشودن نایلون زباله که با جیب بسته‌بندی شده بود با دست و پای بریدهای مواجه می‌شودو پلیس رابخبر می‌کند. داخل کیسه، دو دست و دو پای بریده وجود داشت. ناخن‌های لاک زده و آرایش ناخن‌های مصنوعی حکایت از این داشت که دست و پاها متعلق به یک زن باشد.

بعد از انتقال دست و پاها به پزشکی قانونی، تحقیقات کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به جریان افتاد. حقیق زود مشخص شد که اعضای یک خانواده گم‌شدن دخترشان را به پلیس خبر داده‌اند. از آنجا که احتمال می‌رفت اجزای بدن کشف شده متعلق به همان دختر باشد، خانواده او با حضور در پزشکی قانونی بقایای جسد را شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان داد که عاطفه ۳۵ ساله

دیگر جوان‌ها دلم‌ان به عشق و عاشقی خوش بود.

خانواده شما در جریان این دوستی بودند؟

مدتی که گذشت هر دو موضوع را به خانواده‌ایمان گفتیم و قرار بود من به خواستگاری‌اش بروم، اما نشد.

چرا؟

معمولاً دوستی‌های خیابانی همراه با احساسات است، اما وقتی مدتی می‌گذرد بیشتر به خلق و خوی یکدیگر آشنا می‌شویم، آن وقت است که می‌توانی درست تصمیم‌گیری که با چه کسی ازدواج کنی که هم خودت و هم او را خوشبخت کنی. من عاطفه را خیلی دوست داشتم و حتی جدایی از او برای من تا لحظه آخر هم غیر ممکن بود، اما چند سال بعد از آشنایی متوجه شدم که با هم اختلافاتی داریم که اگر ازدواج کنیم خوشبخت نمی‌شویم، به همین دلیل به او گفتم که نمی‌توانم به خواستگاری‌اش بروم.

پس درگیری شما که منجر به قتل شد به خاطر این بود که به قول و قرار خودت وفا نکردی؟

شاید یکی از دلایل این اتفاق ناگوار این موضوع باشد، اما همه‌اش این نبود.

چطور؟

من معروف به عشق مادر هستم. مادرم را انقدر دوست دارم که اگر کسی به او بگوید «تو» تحمل ندارم. روز حادثه او به مادرم فحاشی کرد و من هم جلوی دهانش را گرفتم تا صدایش را نشنوم که این اتفاق ناخواسته رخ داد.

چرا گریه می‌کنی؟

دلم برای عاطفه و مادرم تنگ شده است. دیگر تحمل ندارم. دیشب خواب عاطفه را در بازداشتگاه دیدم، اما نتوانستم با او حرف بزنم.

حواالت

سرویس حوادث ۴۸۴۹۸۴۳۰

اقرار به مثله کردن دختر موردعلاقه پس از خوردن کله‌پاچه!

سر نوشت بسیاری از دوستی‌های خیابانی به پرونده‌های جنایی گره می‌خورد

صبح روز پنج‌شنبه از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است. تحقیقات از اعضای این خانواده نشان داد که عاطفه با مرد ۴۳ ساله‌ای به نام حمید که از دوستان خانوادگی می‌باشد، رابطه نزدیکی داشته‌است. حمید وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت که از سرنوشت عاطفه خبر ندارد و چند روزی با او تماس نداشته است، اما بررسی‌های کارآگاهان نشان داد که آنها روز حادثه با هم قرار ملاقات داشته‌اند. حمید هم وقتی با شواهد پلیس مواجه شد، چاره‌ای جز اقرار به قتل نداشت. او گفت صبح روز پنج‌شنبه، ۲۹ اسفندماه با عاطفه قرار ملاقات داشتم. آن روز با خودروی خودم به در خانه‌شان در تهرانپارس رفتم و برای خوردن صبحانه به یک طباخی رفتم. بعد سوار ماشین شدیم. داشتم با هم حرف می‌زدیم که ناگهان حرف زدن ما به مشاجره کشید و از شروع به فحاشی به خانواده ام کرد. کنترل خودم را از دست دادم و دستم را دور

گردنش انداختم و آن قدر فشار دادم تا اینکه خفه شد. نمی‌دانستم که با جسد چه کنم؟ به طرف خانه‌ام در ایوانکی رانندگی کردم. جسد را به داخل خانه بردم و مثله کردم. بعد دست‌ها و پاها را داخل یک کیسه مشکی زباله و نیم تنه را داخل کیسه دیگری گذاشتم. اول خواستم کیسه‌ها را در بیابان‌های ایوانکی بیندازم، اما تصمیم خود را عوض کردم. دوباره راهی تهران شدم و به طرف خیابان کردستان رانندگی کردم. نبش خیابان ۲۱ بود که کیسه‌ها را داخل سطل زباله انداختم و به‌خلافه رفتم.

سرهنگ کارآگاه آری حاجی زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: دومین کیسه که حاوی نیم‌تنه مقتول است، کشف نشده و تلاش برای کشف آن در جریان است. وی گفت تحقیقات بیشتر از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی در جریان است.

در این چند روز خانواده‌اش سراغ عاطفه را از شما نگرفتند؟
شب حادثه خانواده‌اش با من تماس گرفتند و سراغ عاطفه را گرفتند که من به آنها گفتم از اوبی‌خبرم.

پس از این در این چند روز همراه خانواده‌اش به دنبالش گشتم و حتی چند بار هم با آنها به اداره پلیس مراجعه کردم تا اینکه دستگیر شدم.

در این چند روز چه حسی داشتی؟

هر شب کابوس می‌دیدم و عذاب وجدان داشتم، به طوری که این چند روز برای من چند سال گذشت. شاید اگر دستگیر نمی‌شدم در همین چند روز خودم را به پلیس معرفی می‌کردم.

معنای؟

نه. من حتی سیگار و قلیان هم نمی‌کشم.

سابقه کفتری داری؟

نه. تا الان هیچ سابقه‌ای نداشتم. من حتی در این مدت که خودرو داشتم یک بار هم تخلف رانندگی نداشتم، چه برسد به خلاف‌های دیگر.

چقدر درس خوانده‌ای؟

دیپلم دارم هر چند یک ترم دانشگاه درس خواندم، اما ادامه ندادم و به دنبال کار رفتم.

الان چه حسی داری؟

خیلی پشیمان هستم. کاش آن روز با او قرار ملاقات نمی‌گذاشتم.

حرف آخر؟

اول از خدا بعد از خانواده عاطفه و در آخر هم از مادرم می‌خواهم که مرا ببخشند.

هشدار پلیس به متشج کنندگان فضای انتخابات

پلیس پایتخت به صورت کامل و صددرصدی آمادگی برقراری امنیت در شهر تهران را دارد.

وی با اشاره به حضور مأموران پلیس‌های تخصصی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در سطح شهر تهران و نظم بخشی ترافیکی و انتظام به امورات شهر تهران در زمان تبلیغات نامزدهای انتخاباتی گفت: پلیس پایتخت در زمان تبلیغات نامزدهای انتخاباتی با همکاری هواداران جناح‌های سیاسی که اقدام به برگزاری

فرمانده انتظامی پایتخت نسبت به متشج کردن فضای انتخابات هشدار داد و تأکید کرد که با متخلفان بر خودر قانونی می‌شود.

سر تیپ پاسدار حسین ساجدی نیا، ضمن اعلام آمادگی صددرصد پلیس پایتخت در برقراری نظم و امنیت دهمین دور، مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری گفت: هم‌زمان با آغاز تبلیغات نامزدهای انتخاباتی در سطح شهر تهران،

دستگیری یک مظنون در پرونده قتل مرد قناد



فردی بوده که به‌خانه مقتول رفت و آمد داشته است. بنابراین مأموران پلیس چند روز بعد از حادثه سعید را بازداشت کردند.

سعید صبح دیروز پس از انتقال به دادرسی جنایی، قتل عرشیا را انکار کرد و گفت: من کارمند یکی از ادارات دولتی هستم و عصرها هم در قنادی که عرشیا کار می‌کند، اضافه‌کاری می‌کنم به همین دلیل با او دوست شدم. مدتی بود که پدرش عرشیا را از خانه بیرون کرده بود، اما با میانجیگری مادرش قرار شده بود فقط برای خواب به خانه‌شان برود. دو روز قبل از کشف جسد عرشیا، متوجه شدم که پدر و مادرش به مسافرت رفته‌اند و عرشیا در خانه تنهاست.

به همین خاطر به خانه‌شان رفتم و شب را با هم مواد کشیدیم و صبح‌هر دواز خانه بیرون آمدیم.وسر کار رفتم تااینکه چندروز قبل از طریق صاحب قنادی متوجه شدم عرشیا به قتل رسیده است. متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس در اختیار مأموران در نخستین گام از تحقیقات مظنون شدند و دریافتند وی آخرین

ساختمان چهار طبقه هستم. طبقه اول و دوم آن مستأجر دارد و من، همسر و عرشیا هم در طبقه سوم زندگی می‌کنیم و طبقه چهارم هم فعلاً خالی است. عرشیا معناب به مواد مخدر شیشه بود به همین دلیل هشت سال قبل از همسرش جدا شد و تنها فرزند آنها هم که دختر ۱۵ ساله‌ای است به همراه مادرش زندگی می‌کند. عرشیا در یک قنادی در غرب تهران کار می‌کرد. او روزها به محل کارش می‌رفت و شب‌ها هم به خانه بر می‌گشت.

وی ادامه داد: چند روز قبل من و همسرم برای مسافرت به رشت رفتم. و عرشیا هم در خانه ماند تا اینکه امروز وقتی به‌خانه برگشتم با جسد خونین او روبرو شدیم. پس از این جسد مرد جوان بسرای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد و تیمی از کارآگاهان به دستور بازپرس تحقیقات خود را آغاز کردند. مأموران در نخستین گام از تحقیقات به یکی از دوستان مقتول به نام سعید مظنون شدند و دریافتند وی آخرین

پرونده مرد میانسال‌ی که چند روز قبل ۱۵ ضربه چاقو در خانه‌شان به طرز مرموزی به قتل رسیده بود، با دستگیری یک مظنون وارد مرحله تازه‌ای شد.

به گزارش خبرنگار ما، روز سه‌شنبه ۱۳ بهمن ماه قاضی سعید احمدیگیی، بازپرس ویژه قتل دادرسی جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۹ جامی از قتل مرد جوانی در آپارتمانی حوالی خیابان آذرپایجان باخبر شد. لفظاتی بعد از اعلام این خبر، بازپرس همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. تیم جنایی در نخستین گام در محل حادثه با جسد مرد ۴۲ ساله‌ای به نام عرشیا روبرو شد که باصابت ۱۵ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد زمانی که عرشیا به قتل رسید، پدر و مادرش در مسافرت بوده‌اند که پس از برگشت با جسد عرشیا در چارچوب در خانه‌شان روبرو می‌شوند.

متهم در آخرین دفاع گفت: من اشتباه بزرگی مرتکب شدم. مشروب خورده بودم و روی رفتارم کنترل نداشتم. آن روز باید به راهم ادامه می‌دادم و به دنبال زندگی خودم می‌رفتم. به خاطر اشتباهی که مرتکب شدم، جان یک انسان را گرفتم و حالا هم دارم تقاص همان یک لحظه را پس می‌دهم. قاضی عبداللهی بعد از شور با اعضای دادگاه، متهم را به حبس و تحمل ۸۰ ضربه شلاق محکوم کرد.



دستگیری عاملان قتل جگر کی

عاملان قتل مرد جگر کی در شهرستان شاهرود بازداشت شدند.

بامداد روز گذشته بود که مأموران پلیس شهرستان شاهرود از حادثه تیراندازی در مغازه جگر کی در خیابان تهران این شهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که صاحب جگر کی که مرد ۴۵ ساله‌ای به نام اصغر بود، با شلیک گلوله کشته شده است. پسر مقتول نیم ساعت قبل بود که مرد دو موتورسوار به مغازه آمدند و جگر خوردند. آنها قبل از رفتن با من مشاجره کردند که پدرم را از ماجرا با خبر کردم. دو مرد جوان هم سوار موتور شدند و از محل رفتند. وقتی پدرم به مغازه آمد، ماجرا را برایش توضیح دادم. همان لحظه دو موتورسوار به محل برگشتند و با شلیک گلوله پدرم را به قتل رساندند و برگشتند. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران پلیس آگاهی دست به تحقیق زدند و دو متهم را شناسایی و ساعتی بعد بازاشت کردند. ضارب پسر ۲۳ ساله‌ای است که اقرار کرد با همدستی دوست ۲۰ ساله‌اش حادثه را رقم زده است.

سرهنگ غلامرضا کاظم‌زاده، فرمانده انتظامی شاهرود گفت: بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

باشگاه حقوقی

– اگر مستأجر هنگام اجاره مغازه مبلغی را به عنوان سرقفلی به مالک بپردازد، آیا در صورتی که مستأجر به هر علتی بخواهد انچرا از تخلیه کند، مالک فقط باید همان مقدار را به مستأجر بپردازد یا اینکه باید قیمت سرقفلی را به قیمت روز به او بدهد؟

اگر حق سرقفلی مغازه برای مستأجر باشد، می‌تواند قیمت فعلی آن را به قیمت عادلانه روز در خواست کند و مالک باید قیمت فعلی این صورت فقط حق مطالبه مبلغی را دارد که هنگام اجاره آن مکان به مالک پرداخته و نسبت به تفاوت ارزش پول احتیاط در مصالحه است.

– اگر مستأجر هنگام اجاره با مالک شرط کند که مالک حق بیرون کردن تخلیه آن محل را نداشته باشد و فقط اجرت معمولی را از مستأجر بگیرد و همچنین مستأجر حق داشته باشد که حق سکونت خود را به دیگری واگذار کند، در این صورت مستأجر می‌تواند سرقفلی را به دیگری بفروشد، یعنی مبلغی از کسی بگیرد و حق خود را به او واگذار کند.

آیا مستأجر در صورت داشتن حق انتقال به دیگری می‌تواند منافع قسمتی از آن مکان را انتقال دهد؟

اگر مستأجر حق انتقال مورد اجاره را به دیگری داشته باشد، این حق شامل انتقال قسمتی از مورد اجاره نیز می‌شود مگر اینکه خلاف آن قرارداد و اوضاع و احوال روشن باشد.

پایان

حسین فصیحی

درباره ادامه فعالیت شایطین مسافرب

مدت‌هاست که پرونده‌هایی با موضوع تعرض به زنان و دختران در پوشش مسافربر تشکیل می‌شود. مجرمان این پرونده‌ها با خودروهای شخصی مسافر کشی می‌کنند. آنها به صورت انفرادی و گاهی باندی عمل می‌کنند و معمولاً با تاریک شدن هوا به دنبال سوزهای خود می‌گردند. زنان و دخترانی را که منتظر تاکسی هستند، سوار می‌کنند و در فرصت مناسب با تهدید چاقو یا اسلحه آنها را به محل‌های خلوت که معمولاً بیابان‌های اطراف شهر می‌باشد، منتقل می‌کنند. بعد از تعرض به معمولاً با خشونت بسیار همراه است، اموالشان را سرتق و فرار می‌کنند. شکل‌گیری این پرونده‌ها از چند جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

یک: قربانیان این پرونده‌ها به دلیل آسیب‌های روحی که متوجه آنها می‌شود به شدت به حمایت نیاز دارند. در شرایطی که جامعه به شدت با بحران روابط غیراخلاقی درگیر شده است، این افراد برای بازگشت به زندگی و به دست آوردن سلامت نسبی باید به طور کامل دست نظارت سازمان‌های بهداشت قرار گیرند. هستند زنان و دخترانی که به علت حفظ آبروی پایان عمر با این درد جانکاه مبارزه می‌کنند و با گناه دست به خودکشی می‌زنند. قربانیان این پرونده‌ها، آسیب‌های ناشی از این حادثه را به فرزندان و دیگر اعضای خانواده خود منتقل می‌کنند.

دو: پلیس در بهترین حالت به شهروندان توصیه می‌کند که از تاکسی یا وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند. هر چند توصیه پلیس حرف درستی است، اما می‌تواند به منزله فرار از مسئولیت هم باشد؛ چرا که این جرائم به هر حال در حوزه‌های انتفا می‌افتد که تحت کنترل پلیس قرار دارد. همین که این پرونده‌ها شکل می‌گیرد، نشان از این دارد که خلأهای امنیتی برای بروز این دست از اعمال مجرمانه وجود دارد. تجربه نشان می‌دهد که پلیس معمولاً بعد از شکل‌گیری این پرونده‌ها وارد ماجرا می‌شود. هر چند بیشتر شکایت‌های مطرح شده منجر به بازداشت و مجازات مجرمان می‌شود، اما گستره حضور پلیس باید به گونه‌ای باشد که منجر به شکل‌گیری این پرونده‌ها نشود. در صورتی که پلیس به تجهیزات یا نیروی کار آمد نیاز دارد باید مورد حمایت قرار گیرد.

سه: کمبود تاکسی یا وسایل حمل و نقل عمومی یکی از معضلات عمومی است. در شهری که تاکسی‌های آن معمولاً به دنبال مسافران دربیست می‌گردند یا بخش زیادی از تاکسی‌های آن به اداره‌ها و سازمان‌ها گشت: پلیس دایره‌های اطلاعاتی خود را گسترش داده و در صورتی که هواداران یا افراد خاصی قصد متشج کردن فضای انتخابات را داشته باشند، طبق قانون با آنها رفتار می‌شود.

چهار: فرایند رسیدگی به جریان پرونده‌های مشکل‌گرفته زمان زیادی را سپری می‌کند. از زمانی که یک مجرم خطرناک با زداشت می‌شود تا زمانی که حکم نهایی درباره او قطعیت پیدا کند، چند سال زمان سپری می‌شود. از یک طرف مجرم در زندان روار می‌شود، هزینه نگهداری و مواظبت از آنها به دوش دستگاه قضایی است و از سوی دیگر شساکیان زخم خورده نگران از راه‌های مجرم از مجازات شسته‌اند؛ چرا که زندان دانشگاه مجرمان است و راه‌های فرار از مجازات را به خوبی منتقل می‌کنند.

پنج: آن دسته از متولیان که معمولاً مرد را به رفتارهای صحیح توصیه می‌کنند، خودشان از مشکلاتی که در کف جامعه جریان دارد با خبر نیستند. معمولاً خودشان با خودروهای دولتی تردد و همسران و دخترانشان هم از خودروهای شخصی استفاده می‌کنند. بنابراین تعجبی ندارد مردم به توصیه کسانی که زندگی‌شان با آنها فاصله نجومی دارد، بی‌توجه باشند.

نجات جوان قزوینی

پس از حمله گله گرگ‌ها

جوان قزوینی که برای موتورسواری به کوهستان رفته بود، مورد حمله گرگ‌ها قرار گرفت و تلاش یک چوپان از مرگ نجات یافت.

یک چوپان این مرد را دو ساعت بعد از حمله گرگ‌ها پیدا کرد و پس از درخواست کمک از اورژانس ۱۱۵ پیکر نیمه‌جان او به مرکز آموزشی – درمانی شهید رجایی منتقل شد. مسئول بخش دوار توبندی مردان مرکز آموزشی – درمانی شهید رجایی گفت: بیمار که از ناحیه سر و صورت، آسیب زیادی دیده و از ناحیه کمر هم دچار کشستگی شدید شده بود، بعد از چند بار عمل جراحی از مرگ نجات یافت.